بسم الله الرحمن الرحیم

پنجاه و نهمین نشست علمی از سلسله نشست های مدرسه فقهی امام محمدباقر علیه السلام، با موضوع «**در جستجوی صحیح‌ترین نسخه‌ی فرائد الاصول**» و ارائه استاد معظم حجت الاسلام و المسلمین **سیدمحمدجواد شبیری زنجانی** در تاریخ چهارشنبه ٦ دی ماه ١٤٠٢ برگزار گردید.

در ادامه مشروح این نشست ارائه شده است.

دانلود صوت جلسه

در جستجوی صحیح‌ترین نسخه‌ی فرائد الاصول

أعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم و به نستعین إنّه خیر ناصر و معین الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا و نبیّنا محمّد و آله الطاهرین و اللعن علی أعدائهم أجمعین من الآن إلی قیام یوم الدین.

اللهم کن لولیک الحجة بن الحسن صلواتک علیه و علی آبائه فی هذه الساعة و فی کل ساعة ولیاً و حافظاً و قائداً و ناصراً و دلیلاً و عیناً حتی تسکنه أرضک طوعاً و تمتّعه فیها طویلاً

مقدمه

عنوان صحبتی که در خدمت دوستان هستیم «**در جستجوی صحیح‌ترین نسخه‌ی فرائد الاصول**» است. ابتدا باید بدانیم که ما با سه پدیده‌ی پژوهشی با عنوان تصحیح، ویراستاری و تحریر، مواجه هستیم و این سه با هم فرق دارند.

ویراستاری این است که شخصی می‌آید در کنار مؤلف، اشکالاتی که از جانب مؤلف بوده را تصحیح می‌کند و بیشتر از جهت شکل ظاهری مقاله است.

در **تحریر** مقاله بازنویسی می‌شود. از قدیم کتاب‌هایی به اسم تحریر نوشته می‌شده؛ مانند تحریر اقلیدوس مرحوم خواجه‌ی طوسی که بازنویسی کتاب اقلیدوس است. کتاب تلخیص الشافی مرحوم شیخ طوسی در واقع تحریر مجدد شافی شیخ طوسی است یعنی محتوای کلی حفظ می‌شود ولی در نحوه‌ی بیان و شیوه‌ها تحریرکننده است که مطلب را بیان می‌کند.

تصحیح در لغت و اصطلاح

تصحیح گاهی به معنای لغوی به کار می‌رود به معنای «صحیح کردن» است؛ مثلا در مورد أسناد گفته می‌شود «این عبارت غلط است و صحیحش این است». اما در این بحث مراد ما از تصحیح، معنای لغوی نیست. بلکه تصحیح به عنوان یک کار پژوهشی درصدد این است که **نسخه‌ی مؤلف یا نزدیک‌ترین نسخه به مؤلف**، فرا روی مراجعه کنندگان یا استفاده کنندگان قرار بگیرد؛ مثلا کافی را که می‌خواهیم تصحیح کنیم می‌خواهیم ببینیم نسخه‌ی کلینی به چه شکلی بوده یا نزدیک‌ترین نسخه به نسخه‌ی کلینی به چه شکلی بوده است.

اهمیت مسئله در کتاب‌هایی مانند رسائل و مکاسب از این جهت است که می‌خواهیم مطلبی را به شیخ انصاری (ره) نسبت بدهیم و بدون استناد به یک نسخه‌ی معتبر و مصحَّحِ به این معنا، نمی‌توانیم چنین نسبتی بدهیم؛ به خصوص بزرگانی مانند مرحوم شیخ انصاری بسیاری از مطالب‌شان دقیق است و عین الفاظ در آن نقش دارد و مهم است و تصحیح در فهم صحیح کلام مؤلف، مؤثر است. نکته دیگر که نشان دهنده‌ی اهمیت مسئله است این است که بزرگان ما روی کلمات شیخ اهتمام خاص دارند؛ از جمله‌ی کسانی که به کلمات شیخ (ره) خیلی اهتمام دارد مرحوم میرزای نایینی است و ایشان تلاش می‌کند فرمایشات شیخ را توضیح بدهد و تفسیر کند و عقیده‌اش این است که مبانی خودش را از فرمایشات مرحوم شیخ انصاری استخراج کرده است.

من سال‌ها قبل -بیش از ۲۰ سال قبل- مقاله‌ای در مجله آینه‌ی پژوهش نوشتم تحت عنوان «**تصحیح و راهکارهای آن با نگاه به دو تصحیح کتاب مکاسب**»؛ در این مقاله دو مرحله بحث را مطرح کردم؛

- اول بحث در مورد اینکه تصحیح به چه معناست، چه مقوله‌ای است و در تصحیح به دنبال چه مفهومی هستیم.
- دوم بحث در مورد اینکه آن ایده‌هایی که در تصحیح مطرح می‌کنیم تا چه حد در این چاپ‌های کتاب مکاسب به کار گرفته شده است.

در آن مقاله مفصل به مطالب مربوط به تصحیح پرداخته‌ام و نمی‌خواهم همان بحث‌ها را در اینجا متذکر بشوم فقط یکی دو نکته عرض می‌کنم؛

نکته اول

اول اینکه صحیح بودند یک مطلبی، کافی نیست برای اینکه بتوانیم آن را به مؤلف نسبت بدهیم. تصحیح اصلاح کردن اغلاط مصنف نیست؛ بلکه تصحیح، اغلاط ناسخان و چاپ کنندگان یک کتاب را اصلاح می‌کند.[1]

یکی از نکاتی که در اینجا می‌خواهم روی آن تکیه کنم این است که ما گاهی نسخ مختلفی از یک کتاب را که در اختیار داریم، **این نسخ باید ارزیابی بشود** بدون ارزیابی میزان اعتبار نسخ، مصحّح از چند جهت، نمی‌تواند کار تصحیح را سامان بدهد. یک جهت **میزان دقت تصحیح** است. دیگر اینکه باید مشخص شود که این تصحیحات **بر پایه‌ی یک نسخه‌ی معتبر** است یا **تصحیحات اجتهادی** است؟ این خیلی مهم است. من عبارتی از آن مقاله که در مورد «شیوه‌ی تصحیح با در دست نبودن نسخه‌ی اصل باید به چه شکلی باشد؟» را می‌خوانم؛

در مرحله‌ی اول، تصحیح باید براساس اکثریت نسخ سامان بگیرد. توضیحاتی دارد که وارد آن نمی‌شوم اما نکته مهم این است که از اول بدانیم دنبال نزدیک‌ترین نسخه به نسخه‌ی مؤلف یا خود نسخه‌ی مؤلف هستیم.

---

[1] برای توضیح بیشتر درباره مفهوم تصحیح، اینکه در فرض در دست داشتن نسخه‌ی اصل مؤلف چگونه باید انجام بشود، در فرضی که نسخ غیر از نسخه‌ی اصل مؤلف را داریم چطور و... مراجعه کنید به مجله آینه پژوهش شماره ٦١ فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۹ «ص» ۳۸ تا ۴۹، در آنجا مفصل توضیح داده‌ام شاید سودمند باشد.

«بنابراین وقتی قرائنی نشان داد که نسخه‌ی اصل مؤلف به چه شکل است متن کتاب باید بر طبق آن به چاپ برسد و به اغلاط احتمالی مؤلف در حاشیه اشاره بشود.» البته استثنائاتی هم دارد مانند آیات قرآن و روایات که بحثش را به طور مفصل در آن مقاله مطرح کرده‌ام و نمی‌خواهم تکرار کنم.

بنابراین اگر از میان ده نسخه که برای تصحیح برگزیده شده نُه نسخه به یک شکل بود و نسخه‌ی دیگر به شکل دیگر و توجیه منطقی برای تبدیل به این شکل وجود نداشته باشد[۲] این امر ما را به این نتیجه می‌رسد که ناسخ این نسخه، به اجتهاد خود از روی مصدر اثر یا با عنایت به قواعد ادبی و نحوی یا با عنایت به مفهوم متن در کتاب تصرف نموده، در اینجا حتما می‌باید متن را بر طبق اکثر نسخه‌ها که نسخه‌ی مؤلف را از آن کشف کرده‌ایم قرار داده و نسخه‌ی دیگر در حاشیه جای گیرد. به دیگر بیان همچنان که نمی‌توان بدون در دست داشتن نسخه، به اجتهاد خود، متن کتاب را تصحیح کرد با نسخه‌ای که قرائن بر تصرف اجتهادی ناسخان گواهی می‌دهد نیز، تغییر متن کتاب مجاز نیست هر چند عبارت آن نسخه مطابق صحیح واقعی باشد.»

ما در تصحیح دنبال صحیح واقعی نیستیم دنبال صحیح به معنای نسخه‌ی مؤلف یا نسخه‌ی نزدیک به مؤلف هستیم.

نکته دوم

نکته دیگر اینکه بعضی از کتاب‌ها هست که مؤلف خودش در کتاب دستکاری می‌کند و تصحیح کرده یا احیاناً کتاب را چند بار نوشته است؛ مثلا وسائل الشیعة چند تحریر دارد -یعنی چند بار نوشته شده است- و در هر بار تغییراتی کرده و برخی از کتاب‌ها ابتدائا در اختیار صاحب وسائل نبوده و بعدا به آن‌ها دسترسی پیدا کرده است. همچنین مرحوم آخوند نیز بعد از نوشتن کفایه آن را تدریس کرده و بعضی اوقات در حین تدریس، اصلاحاتی را در کفایه اعمال کرده است. نسخه اصل کفایه به خط خود مرحوم آخوند موجود است ولی نسخه‌ی دیگری از کفایه هم در دست است که مرحوم آخوند بعضی از مطالب آن را در درس اصلاح کرده‌اند. این نسخه‌ی دوم نزد نوه‌ی مرحوم آخوند -آقای کفایی- است و هر دو گروه چاپ کفایه ـ چاپ جامعه مدرسین و چاپ آل البیت- این دو نسخه را در اختیار داشته‌اند.[۳]

به هر حال نسخه‌ی نهایی که خود مؤلف آن را تصحیح می‌کند از نسخه‌ی اصل کتاب هم مهم‌تر است؛ زیرا ما براساس متن نهایی مؤلف باید کتاب را سامان بدهیم.

یکی از کتاب‌هایی که مطرح است تصحیحاتی روی آن انجام شده رسائل شیخ انصاری -فرائد الاصول- است. در کتاب جرعه یک مطلبی از مرحوم نایینی نقل شده که ایشان فرموده: « مرحوم شیخ انصاری، رسائل را به میرزای شیرازی داده‌اند تا تصحیح بکند و کتاب رسائل براساس تصحیح میرزای شیرازی منتشر شده است». در کتاب مبانی اصولی شیخ اعظم انصاری که آقای منافی نوشته‌اند، مقدمه‌ی خوبی به قلم آقای محمد توکلی نوشته شده، آنجا بحث خوبی دارد در مورد اینکه

[۲] مقرر: طبق فرمایش اولیه در نسخه‌ی اصلی مقاله «وجود داشته باشد» ثبت شده و ظاهرا عبارت مصدر مناسب‌تر است. اگر توجیه منطقی داشته باشد، یعنی ناسخ نسخه‌ی متفرّد، طبق همان توجیه منطقی عمل کرده و متن را تغییر داده است.

[۳] من قبل از این چاپ‌ها این نسخه را داشتم و نسخه خودم را با این نسخه‌ی نهایی مقابله کرده بودم و اصلاحاتش را وارد کرده بودم.

بالاخره صحیح‌ترین نسخه‌ی رسائل نسخه‌ای است که میرزای شیرازی تصحیح کرده است. اما اینکه آیا این مطلب درست است که میرزای شیرازی تصحیح کرده یا خیر، در مقام بحث از این نیستم و وارد آن بحث نمی‌خواهم بشوم؛ زیرا محور صحبت من نیست.

به هر حال چیزی که درصددش هستیم این است که اگر تغییراتی و تصحیحاتی از سوی مؤلف در رسائل انجام شده، کدام نسخه از نسخ رسائل بیشتر از بقیه‌ی نسخ حاوی این تصحیحات است. صحیح‌ترین نسخه یعنی نسخه‌ای که به متن نهایی رسائل یا فرائد الاصول به تصحیح شیخ انصاری نزدیک‌تر است.

ما درصدد این هستیم که نسخه‌هایی را که به تحقیق نهایی فرائد الاصول نزدیک‌تر است را شناسایی کنیم. خوشبختانه در مورد مکاسب این بحث را مفصل دنبال کردم که مرحوم شیخ تصحیحاتی در مورد مکاسب داشته و کدام نسخ با این تصحیحات هم‌خوان‌تر است و مصحّحین این کتاب این نکته را توجه نکرده‌اند که ما درصدد این نیستیم که هر عبارتی را که خودمان صحیح تشخیص می‌دهیم به عنوان متن قرار بدهیم بلکه ما باید آخرین نسخه و نسخه‌ی نهایی شیخ را محور قرار بدهیم.

اکنون نسخه‌های رسائل را می‌خواهیم مورد ارزیابی قرار بدهیم. رسائل دو چاپ مهم در دسترس دارد؛ یکی **چاپ جامعه مدرسین** است که اختلاف نسخه را گزارش نمی‌کند؛ بنابراین از بحث ما خارج است. یک چاپ، **چاپ مجمع الفکر الاسلامی** است که زمان کنگره شیخ اعظم چاپ شد. در مقدمه‌اش نسخه‌های خطی و چاپی که در اختیارشان بوده را معرفی کرده‌اند و گفته‌اند هفت نسخه را مد نظر داشته‌اند. دو نسخه‌ی خطی و پنج نسخه‌ی چاپی.

در زمان شیخ انصاری قسمتی از آن که شامل مباحث قطع و ظن بود با عنوان «رسالة فی حجیة المظنة» چاپ شد و بعدا یک مرتبه برائت و اشتغال و در مرتبه‌ی دیگر بحث استصحاب و نهایتا بحث تعادل و تراجیح با عنوان «رسالة» به مباحث «قطع و ظن» اضافه شد و در کنار هم قرار گرفتند و به همین دلیل عنوان «رسائل» به این مجموعه اطلاق شد. شاید الان عنوان «فرائد الاصول» معروف‌تر باشد.

یک نسخه خطی که در سال ۱۲۶۳ نوشته شده با رمز «م» که مباحث این نسخه تا آخر بخش ظن است.

یک نسخه خطی دیگر که مربوط به سال ۱۲٦٦ است -تاریخ مربوط به بخش ظن آن است- با رمز نسخه «ظ» از آن یاد می‌شود.

و پنج نسخه‌ی چاپی با رمزهای «ل»، «هـ»، «ت»، «ر» و «ص» مورد استفاده قرار گرفته است.

کار خوبی که در این چاپ کنگره و مجمع الفکر انجام شده این است که اختلاف نسخه‌ها را خیلی مفصل گزارش داده است و کار بسیار خوبی است. با استفاده از این نسخه‌های فراوان می‌توانیم صحیح‌ترین نسخه‌ی فرائد الاصول را با زاویه دیدی که عرض می‌کنم شناسایی کنیم.

یکی از کارهایی که باید در یک کتاب انجام شود ارزیابی نسخ و رابطه‌ی نسخ با همدیگر و نگاشتن شجره‌نامه‌ی نسخ است

نسخه‌های رسائل نسخه‌های خیلی قدیمی نیستند و الا اگر نسخ قدیمی بودند دارای شجره‌نامه نیز بودند؛ خیلی وقت‌ها نسخه‌های قدیمی شجره‌نامه هم دارند. یعنی ارتباطاتی که با همدیگر دارند. و با مقایسه موارد مختلف این نکات را می‌توانیم دریابیم.

یک نکته در مورد فرائد الاصول این است که شیخ انصاری بعد از اینکه کتاب فرائد چاپ می‌شود در قسمت قطع و ظن تغییرات زیادی ایجاد کرده است. در واقع تحریر جدیدی است در موارد زیادی عبارات را کم و زیاده کرده، دگرگون کرده و تفاوت خیلی جدی ایجاد کرده است. بنابراین برای رسائل در بحث قطع و ظن می‌توانیم دو تحریر قائل بشویم. یکی تحریری که مبنای چاپ «رسالة فی حجیة المظنة» است و دیگری تحریری که مربوط به بعد از آن چاپ است. البته در تحریر مجدد هم دستکاری‌هایی شده ولی اینگونه نبوده که کلا کتاب زیر و رو بشود.

کاری که انجام دادم این است که نسخه‌بدل‌هایی که در حاشیه است را با هم مقایسه کردم ببینم کدام نسخ با همدیگر نسخه‌بدل‌های مشابه، زیاد دارند. ۳ نسخه‌ای که اول معرفی کرده‌اند -م «ظ» ل- خیلی به هم شبیه هستند. در اکثر موارد عین هم هستند. نسخه «م» و «ل» هر دو نسخه ناقص هستند و فقط قطع و ظن را دارند و شامل قسمت‌های دیگر نیستند. نسخه «ظ» که کامل است لااقل در قسمت قطع و ظنش براساس همان نسخه قبلی نگارش یافته و تنظیم شده است. بنابراین نسخ «ظ» «ل» «م» نسخه قدیمی هستند. در خیلی از موارد در نسخه‌ی چاپی همین نسخ را محور قرار داده‌اند؛ اما این کار صحیح نیست و نباید صرفا به خاطر قدیمی بودن، این نسخه‌ها محور قرار بگیرد. بلکه مصحِّح باید تغییرات نسخه‌های مختلف را تحلیل کند تا بفهمد کدام تغییر توسط مؤلف ایجاد شده و کدام تغییر توسط ناسخین -مانند غلط‌های چاپی-. لذا در مواردی که تغییرات توسط خود مؤلف رخ داده نباید نسخه‌های قدیمی را محور قرار داد.

برای اینکه میزان اعتبار این نسخ را ارزیابی کنیم محور را جاهایی قرار می‌دهیم که این نسخه‌ها متفرّد هستند. از این ۷ نسخه گاهی اوقات یک عبارت تنها در یک نسخه وارد شده و در بقیه نسخ نیامده است. باید ببینیم چرا عبارتی فقط در یک نسخه به این شکل آمده است؟ موارد تفردات یک نسخه، ما را برای شناخت هویت این نسخه کمک می‌کند.

در بررسی نسخه‌ها دیدم که دو نسخه خیلی به هم شبیه هستند؛ یکی نسخه «ت» و دیگری نسخه «هـ». در بعضی موارد یک متنی تنها در نسخه «ت» وارد شده و گاهی یک متنی تنها در نسخه‌ی «هـ» وارده شده است. مقدمه کتاب رسائل، نسخه‌ای با رمز «ص» را اینگونه معرفی می‌کند: «نسخة مطبوعة فی طهران بالقطع الرحلی و علیها تصحیحات بعض العلماء الاجلاء فی اصفهان.... رمزنا لها بـ«ص»»[٤]

نسخه «ص» نسخه چاپی است و اصلاحاتی هم در آن صورت گرفته است و در واقع به یک معنا دو تا نسخه است؛ یک نسخه‌ی اصلی و تصحیحات نسخه. این نسخه تفرداتی دارد که یکسری اختصاصات و تفردات در مورد اصل نسخه است و یکسری اختصاصات و تفردات در مورد تصحیحات نسخه است.

[٤] فرائد الاصول، ج۱، ص ۱٤.

باید دقت کنیم و ببینیم چه چیزی سبب شده که این نسخه متفرد از آب درآمده است و چرا از این ۷ نسخه ٦ مورد به شکل دیگری است و این یک نسخه به شکل دیگری آمده است؟ این را اگر تحلیل کنیم خود نسخه را می‌توانیم درست بشناسیم.

تفردات نسخه «ص»

صفحه ۲۹ پاورقی ۲

متن: «اثباتاً او نفیاً»

حاشیه: در نسخه «ص» به صورت «اثباتاً و نفیاً» آمده است.

تبدیل «او» به «و» می‌تواند مربوط به ناسخ باشد و یکی را به شکل دیگری دیده باشد و خیلی مهم نیست. چنین تغییراتی مربوط به کار طبیعی ناسخ است.

ص ۳۱ پ ۱:

متن: «**فإذا قطع کون مائع بولاً**»

حاشیه: در نسخه «ص» به صورت «**قطع بکون مائع بولاً**» آمده ولی در عبارت‌های دیگر این شکلی است که «فإذا قطع کون مائع بولاً».

این تغییر نیز احتمال دارد از همان تغییرات مورد انتظار از جانب ناسخین باشد؛ ولی احتمال قوی‌تر این است که بگوییم مصحّح اصلاح ادبی کرده و گفته «قطع» با «ب» متعدی می‌شود و یک باء اضافه کرده است.

ولی بعضی جاها خیلی روشن است که تغییرات، تغییرات نسخه نیست قطعا

ص ۳۳ پ ۵

متن: «ثمّ من خواصّ القطع الذي هو طریق إلی الواقع: قیام الأمارات الشرعیّة و بعض الاصول العملیّة مقامه في العمل، بخلاف المأخوذ في الحکم علی وجه الموضوعیّة؛ **فإنّه تابع لدلیل الحکم**».

حاشیه: در نسخه «ص» آمده است «**فإنه تابع لدلیل ذلک الحکم**».

پیداست «ذلک» را اضافه کرده تا عبارت قشنگ‌تر، زیباتر و امثال این‌ها بشود.

ص ٤۱ پ ۲ (مبحث تجری)

متن اصلی: «و الاخبار فی امثال ذلک فی طرف الثواب و العقاب بحدّ التواتر»

حاشیه: تعبیر نسخه «ص» «و الاخبار فی امثال ذلک فی **طرفی** الثواب و العقاب بحدّ التواتر» است.

پیداست که اصلاح عبارتی کرده و گفته ثواب و عقاب چون مثنی هستند باید «طرف» هم مثنی بیاید.

با مراجعه به اختصاصات نسخه «ص» به این نتیجه می‌رسیم که این نسخه «ص» براساس اجتهاد مصحّح تصحیح شده اجتهادی که برپایه نکات ادبی، نکات زیباسازی عبارت و مطابقت با مصدر -گاهی می‌بینیم شیخ مطلبی را از مصدری نقل کرده ولی مقدار تغییر عبارت دارد و نسخه «ص» مشابه نسخه مصدر است- است. همه نسخ یک جور دیگر است ولی نسخه «ص» شبیه مصدر است.

ص ۵۵ پ ۲

متن: «نعم یبقی الکلام بالنسبة الی ما **لا یتوقف** علی التوقیف»

حاشیه: فی «ص» و المصدر: «یتوقف»، و ما أثبتناه مطابق لسائر النسخ و الدرر النجفیة لصاحب الحدائق.

ص ۵۸ پ ۳

متن: «لان الادلة القطعیة .... یصادم **العقل** البدیهی او الفطری»

حاشیه: عبارت نسخه «ص» «یصادم **العقلی** البدیهی»

بعضی چیزهایش خیلی از این روشن تر است.

ص ١١٤ پ ۳ (مصلحت سلوکیه)[۵]

تنها در نسخه «ص» اینکه «مصلحت در امر به عمل به اماره است» وارد شده و بقیه نسخ گفته‌اند «مصلحت در عمل به اماره است». مرحوم نایینی گفته شیخ این را اصلاح کرده و این‌ها معلوم نیست خیلی روشن باشد که به این شکل باشد باید قدری دقت کرد که آیا واقعا همین‌گونه است که شیخ اصلاح کرده یا خیر.

ص ۱۱۷ پ ۵

متن: «و معنی وجوب العمل علی طبق الأمارة **وجوب** ترتیب احکام الواقع علی مؤدّاها»

حاشیه: نسخه «ص» «و معنی وجوب العمل علی طبق الأمارة **الرخصة** فی ترتیب احکام الواقع علی مؤدّاها»

اینکه کلمه «وجوب» تبدیل به «رخصت» بشود یک تغییر محتوایی است و تغییری نیست که ناسخ عبارت را درست نخوانده باشد و به این تبدیل شده باشد. و تنها هم در همین نسخه به این شکل است. این‌ها نشانگر این است که ناسخ و مصحّح به عقیده خودش بهتر دیده که عبارت اینگونه باشد و متن را تغییر داده.

در برخی موارد تقریب و تهذیب هم کرده به این صورت که شیخ انصاری ره مطلبی را آورده و یکی یکی، با تعبیر «اما قولک» «اما قولک» و امثال این‌ها پاسخ می‌دهد؛ بعد ناسخ «قولک» را تبدیل کرده به «توهمک» و امثال این‌ها.

---

[۵] در مورد اینکه مصلحت در عمل به اماره است یا در امر به عمل به اماره است.

جمع بندی

پیداست که این موارد دستکاری‌هایی است که مصحّح انجام داده است؛ بنابراین نباید نسخه «ص» را به عنوان یک نسخه قابل اعتماد تلقّی کرد.

تازه می‌خواستم وارد اصل بحثم بشوم که می‌بینم وقت گذشته است. یک جلسه دیگر هم در خدمت دوستان هستم برای ادامه کار.

اولین مرحله‌ی تصحیح، ارزیابی کیفیت نسخ است. آیا این نسخه، نسخه‌ای است که بر مبنای تصحیح اجتهادی نوشته شده یا نسخه‌ای است که بر مبنای تغییرات مؤلف دگرگون شده؟ خلاصه باید علت تغییرات مشخص شود. و تا زمانی که یک تحلیل دقیق از این نکته ارائه ندهیم کار تصحیح غلط است.

یکی از مشکلاتی که در مصحّحین داریم این است که آن‌ها ارزیابی درستی از نسخ ندارند و همه‌ی نسخ را در یک رده قرار می‌دهند. در حالی که این نسخ مدلش فرق دارد. خصوصا آن که در هر نسخه هم، جا به جا آن فرق دارد.

اگر به این نکات توجه نشود تصحیح ابتر می‌شود.

حالا نکات دیگری اینجا وجود دارد به خصوص اینکه «کدام نسخه بیش از همه دربردارنده‌ی آخرین تصحیحات شیخ انصاری ره است؟». این نکته‌ای است که می‌خواستم به تفصیل در موردش صحبت کنم اما در این جلسه فرصت نشد. ان شاء الله در یک جلسه‌ی دیگر به این، خواهیم پرداخت.

ان شاء الله خداوند ما را، طبق نسخه‌ی اصلی که **کل مولود یولد علی الفطرة حتی ابواه یهودانه او ینصرانه** تصحیح کند به برکت صلوات بر محمد و آل محمد.

======================